

# فهرست مندرجات

## Shiraz-Beethoven.ir

۶۰.....	بجرخ و جیغ بزَن.....	۷.....	بیشگفتار مترجم.....
۶۲.....	دروُد بر زَنان!.....	۹.....	مقلعه.....
۶۴.....	اشتراوس علیه اشتراوس.....	۱۲.....	عادر همه‌ی آهنگ‌های جاودانه.....
۶۶.....	ترانه‌ی نجات‌بخش.....	۱۴.....	هارمونی آسمانی.....
۶۸.....	رقابت گروه‌های موسیقی.....	۱۶.....	آتشی در آسمان.....
۷۰.....	هر چه لولا بخواهد.....	۱۸.....	رعز دَارتزو.....
۷۲.....	نبرد زنگ‌ها.....	۲۰.....	و ریتم ادامه دارد.....
۷۴.....	جوان بی‌باک.....	۲۲.....	موسیقی ریشه‌ها.....
۷۶.....	«دی‌کسی» را نخواهم خواند.....	۲۴.....	خدایان گیتار.....
۷۸.....	تک‌آهنگ ماندگار.....	۲۶.....	فقط به خاطر یک دکمه.....
۸۰.....	یک جان براون دیگر.....	۲۸.....	دینت را به شیطان ادا کن.....
۸۲.....	از یک طبلال کوچک تا یک ژنرال بزرگ.....	۳۰.....	کنسرت در قهوه‌خانه.....
۸۴.....	بیست و چهار نُت.....	۳۲.....	جنون چیدن.....
۸۶.....	نظری به ساعت.....	۳۴.....	آواز رستگاری.....
۸۸.....	بانوی حامی.....	۳۶.....	یک داستان فکلی.....
۹۰.....	کشتی ترانه.....	۳۸.....	گشتی در اعجاز موسیقی.....
۹۲.....	دوست داری یک کار ضبط کنی؟.....	۴۰.....	نواختن بدون نت.....
۹۴.....	اولین نماهنگ.....	۴۲.....	گنجینه‌ی ملی.....
۹۶.....	صبح همگی بخیر.....	۴۴.....	ملکه و لالایی.....
۹۸.....	پرفروش‌ترین.....	۴۶.....	یاد آن روزها بخیر.....
۱۰۰.....	تعظیم کنید!.....	۴۸.....	من زنده خواهم ماند.....
۱۰۲.....	از فرش به عرش!.....	۵۰.....	پرچم ستاره‌نشان.....
۱۰۴.....	تهدیدی به نام موسیقی مکانیکی.....	۵۲.....	ارتش دو نفره‌ی آمریکایی.....
۱۰۶.....	اولین موسیقی دان جَز؟.....	۵۴.....	ضرب به ضرب.....
۱۰۸.....	مرثیه‌ای برای کیتی.....	۵۶.....	چیزی درباره‌ی مری.....
۱۱۰.....	کسی آنجا هست؟.....	۵۸.....	علم در گام دو ماژور.....

# Shiraz-Beethoven.ir

۱۶۴.....	اگر به کسی احتیاج داشتم.....	۱۱۲.....	انتقال امواج از طریق سیم.....
۱۶۶.....	کُلْ جَز.....	۱۱۴.....	شورش بهار.....
۱۶۸.....	این همه سر و صدا برای چیه؟.....	۱۱۶.....	جنون رقص.....
۱۷۰.....	والس برای سالگرد ازدواج.....	۱۱۸.....	گفتی که یک انقلاب می‌خواهی.....
۱۷۲.....	به موسیقی گوش کن.....	۱۲۰.....	ماری - گو - راند موزیکال.....
۱۷۴.....	روایت را دنبال کن.....	۱۲۲.....	بگو تا گروه بنوازد.....
۱۷۶.....	سپاس مربی.....	۱۲۴.....	فروخته شده به بهای یک آهنگ.....
۱۷۸.....	سرمایه‌ای برای ماجراجویی.....	۱۲۶.....	امروز اخبار را خواندم، خدای من!.....
۱۸۰.....	پادشاه و من.....	۱۲۸.....	عذر می‌خواهم.....
۱۸۲.....	داستانی از برانکس.....	۱۳۰.....	طبل‌های جنگ.....
۱۸۴.....	دود به چشم‌هایت می‌رود.....	۱۳۲.....	نگاه کن مامان، بدون دست!.....
۱۸۶.....	ارکستر خالی.....	۱۳۴.....	انفجار بریستول.....
۱۸۸.....	فراخوان آخرین گیلان.....	۱۳۶.....	آهنگی که «ویتیز» را نجات داد.....
۱۹۰.....	راه طولانی و پربینج و خم.....	۱۳۸.....	اقامت یک‌شبه.....
۱۹۲.....	حقیقت، رهایت خواهد کرد.....	۱۴۰.....	یک نغمه‌ی آمریکایی.....
۱۹۴.....	موظفه‌ای برای گروه کر.....	۱۴۲.....	لب‌ها، رواج می‌دهند.....
۱۹۶.....	لججاری نیویورکی.....	۱۴۴.....	باکلاس.....
۱۹۸.....	لالایی برادوی.....	۱۴۶.....	بازنویسی رولو.....
۲۰۰.....	قهوه‌ای به چه دردمان می‌خورد؟.....	۱۴۸.....	کف اتاق تدوین.....
۲۰۲.....	انقلاب آوازاها.....	۱۵۰.....	آهنگ سربازی.....
۲۰۴.....	استخوان حیرت‌انگیز.....	۱۵۲.....	گادزوکس.....
۲۰۶.....	گم شده و پیدا شده.....	۱۵۴.....	نمایش موزیکال دبیرستانی.....
۲۰۸.....	فرو ریخته.....	۱۵۶.....	انگس خشمگین.....
۲۱۰.....	به لرزه درآوردن جهان.....	۱۵۸.....	این، اولدزموبیل پدرتوست.....
۲۱۲.....	مرجع و مأخذ.....	۱۶۰.....	میراث لینکلن.....
		۱۶۲.....	قطعا ساز خود را می‌نواخت.....





«گاردینر» دوست تیلور نیز در میان کشته‌شدگان بود. در روزهای بعد از این فاجعه که سه ساله برای آرام کردن جولیا دختر بیست و سه ساله‌ی گاردینر به دیدنش رفت عشق میانشان شکوفه زد و چهار ماه بعد آن‌ها با هم ازدواج کردند.

## Shiraz-Beethoven.ir

گروه تحقیق نیروی دریایی، کاپیتان استوکن را از هرگونه اتهام در این فاجعه میرا تشخیص داد. بعدها او هدایت ناوگان جنگی «پاسفیک» را برعهده گرفت و اولین فرماندار نظامی کالیفرنیا هم شد. شهر استوکن در کالیفرنیا به احترام او نام‌گذاری شده است.

بعد از مراسم تدفین هم تیلور از یک حادثه‌ی دیگر جان سالم به در برد. چیزی سه‌هفته‌ای در شبکه حامل رئیس‌جمهور را ترسانند و آن‌ها مهار گسیخته شروع به دویدن در خیابان «پنسیلوانیا» کردند. در نزدیکی کاخ سفید، مردی از میان جمعیت بیرون آمد دهنه‌ی اسب‌ها را گرفت و رئیس‌جمهور را از جراحت و حتی مرگ نجات داد.

شگفت‌آور است که یک سرود نظامی کم‌اهمیت، این مرد را از جراحات جدی یا مرگ ناگهانی نجات داد.

«جیمز برنی» یکی از رقبای سیاسی تیلور



## مرثیه‌ای برای کیتی

### موفقیت بزرگ موسیقی

آن طور که «جک نورث» تعریف می‌کند، داستان در مترو اتفاق افتاد. نورث هنرپیشه‌ی بیست و سه ساله‌ی درام‌های موزیکال بود، یکی از هنرپیشگان قدیمی تئاتر کمدی «زیگفیلد» در «برادوی» نیویورک که کارش را با نمایش سیاه‌بازی شروع کرده بود. آن روز در ۱۹۰۸ میلادی سوار بر یکی از قطارهای متروی نیویورک بود که تبلیغ مسابقه‌ی «بیس‌بال» در «استادیوم پولو»، «استادیوم خانگی تیم «نیویورک جاینترز» را دید.

با این‌که طرفدار بیس‌بال نبود و هیچوقت برای دیدن یک بازی لیگ به استادیوم نرفته بود، فکرش زد که ترانه‌ای درباره‌ی یک طرفدار پر و پا قرص بیس‌بال، به نام «کیتی کیسی» بنویسد. طرف پانزده دقیقه طراوشات ذهنش را پشت یک پاکت نوشت. ترانه جنون دخترک را تحسین می‌کند، این‌که همه‌ی بازی‌های خانگی تیم محبوبش را از نزدیک می‌دیده، همه‌ی بازیکنان را به اسم می‌شناخته و بی‌پروا بر سر داور فریاد می‌کشیده است. چیزهایی که کمتر به خاطر می‌ماند اما داستان ترجیع‌بند ترانه چیز دیگری است.

معشوق کیتی او را به دیدن یک تئاتر دعوت می‌کند، اما در ذهن کیتی چیز دیگری می‌ماند او می‌گوید: «بهت می‌گم چه کار کنی.» امروز با گذشت بیش از صدسال از آن روز کسی که کیسی را به یاد ندارد اما تقریباً همه‌ی آمریکایی‌ها می‌توانند مصرع دوم پاسخ کیتی را بخوانند:

«منو ببر به بازی ببینم...»



**Shiraz-Beethoven.ir**